



فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی

مسئولیت مدنی و کیفی آسیب‌های روحی زوجین به یکدیگر در زندگی مشترک زناشویی

ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی ^{id}

فریبا طائی* ^{id}

نجات علی پور ^{id}

دانشیار، گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
دانشجویی دکتری، گروه فقه و حقوق، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران
کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

faribataee73@gmail.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پدیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷
<http://aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۴ | پیاپی ۱۸ | ۵۶۶-۵۸۰
پاییز ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(علیشاهی قلعه جوقی و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل، طائی، فریبا، و علی پور، نجات. (۱۴۰۲). مسئولیت مدنی و کیفی آسیب‌های روحی زوجین به یکدیگر در زندگی مشترک زناشویی. *خانواده درمانی کاربردی*. ۴(۴)، ۵۸۰-۵۶۶.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی مسئولیت مدنی و کیفی آسیب‌های روحی زوجین به یکدیگر در زندگی مشترک زناشویی صورت گرفت. **روش پژوهش:** پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای حقوقی و فقهی معتبر انجام شده است. **یافته‌ها:** مسلماً اولین اهداف زوجین از ازدواج کسب سود و منفعت نیست بلکه کسب آرامش، احترام، وفاداری، صمیمیت، امنیت است. از جمله خساراتی که ممکن است بر شخصی وارد آید. خسارت معنوی است که موضوع آن از دست دادن مال نیست؛ بلکه این خسارات بر خود شخص از نظر روحی و روانی وارد می‌شود. خسارت معنوی، غالباً مرتبط با حقوق مربوط به شخصیت افراد است و لطمه به تمامیت جسمانی و معنوی، مانند تألمات جسمانی، هویت، آبرو، عواطف و احساسات، حیثیت را در بر می‌گیرد. **نتیجه‌گیری:** در نتیجه در می‌یابیم اگر به دلیل دعوا و جنجال دائم زوجین یا سرزنش، سرکوب و تهمت هر یک از زوجین مبتلا به بیماری روحی شوند یا متضرر شوند مقصر ضامن مسئولیت مدنی و کیفی خسارت است اما این موضوع از نظر نیز دور نیست که جبران خسارت روحی صرفاً به وسیله پرداخت پول نیست بلکه باید ابراز محبت، تعهد به عدم تکرار رفتار، عذر خواهی در عموم، روان درمانی و غیره... نماید.

کلیدواژه‌ها: زوجین، خسارت، روحی، مسئولیت مدنی، مقصر.

مقدمه

خسارت معنوی در قلمرو حقوق مدنی به‌ویژه در عرصه مسئولیت مدنی جایگاهی مهم و اساسی دارد. با توجه به این که غالب اعمال و رفتار زیانباری که از جانب زوجین به یکدیگر وارد می‌شود، بیشتر جنبه معنوی دارد تا مادی، مثل وجود بداخلاقی، توهین، ایراد تهمت، خیانت، عدم تأمین نیازهای جنسی و ... که همه از مصادیق سوءمعاشرت است، عدم توجه به خسارات معنوی در خانواده، هم موجب مخدوش شدن روابط اخلاقی زوجین می‌گردد و هم به فروپاشی نظام خانواده میانجامد. از طرفی، خصوصی بودن روابط اعضای خانواده، نامحسوس بودن خسارات معنوی و مغفول ماندن از آثار سوء آن، عاملی است که همواره رسیدگی به تظلم متضرر را دشوار می‌کند. در برابر خسارت معنوی زوجین، ویژگیهای خاص و حالت‌های گوناگون دارد. بدین ترتیب که گاه راهکار قانون به شکل پیشگیری از وقوع خسارت معنوی است (شروط ضمن عقد)، و گاه مانع از استمرار خسارت معنوی است (طلاق و فسخ و انفساخ نکاح). در مواردی هم راهکارهای ترمیمی الزامی می‌شود (اذن به ازدواج مجدد زوج). بعضی راهکارها هم به شکل اسقاط حق جنبه تنبیهی به خود می‌گیرند (اذن به سقوط نفقه زوجه و یا سکونت علیحده همسر). همه این موارد، سعی قانونگذار است جهت ایجاد روابط مسالمت آمیز بین زوجین و در نهایت جلوگیری از تزلزل نظام خانواده.

مقالات پیشین که صرفاً به شیوه‌های جبران خسارت معنوی که در زندگی مشترک به زوجین وارد می‌شود پرداخته و روش‌های جبران را بیان نموده است که شامل جبران به عین، جبران به معادل و جبران صوری است همچنین تمهیدات لازم قانون مدنی را برای جلوگیری از خسارت معنوی در زندگی مشترک زوج بیان نموده است. وجه تمایز مقاله یاد شده با مقاله حاضر آنست که مقاله پیش رو به بررسی انواع و دلایل آسیب‌های روحی که ممکن است زوجین به یکدیگر وارد کنند می‌پردازیم و بدین وسیله مسئولیت مدنی زن و یا شوهر مقصر را اثبات می‌کنیم که نحوه مسئولیت مدنی و جبران مقصر چگونه است.

نوآوری مقاله حاضر، نگارنده در این مقاله سعی بر این داشته که اصل مسئولیت مدنی در خسارت روحی زوجین خصوصاً بیماری‌های روحی و روانی شدید، صرفاً به وسیله پرداخت پول و جبران خسارت قرار نیست زیرا که خسارت روحی تبلور خارجی ندارد و با پول قابل جبران نیست بلکه مقصر خسارت باید سعی و تلاش جهت تسکین شخص مبتلا به بیماری روحی نماید مانند ابراز محبت، تعهد کتبی به عدم تکرار رفتار و گفتار و غیره... به گونه‌ای که شخص مبتلا به بیماری روحی به حالت سابق یعنی قبل از بیماری بازگردد. مهمتر اینکه در این مقاله به مسئولیت کیفی خسارت روحی زوجین به یکدیگر نیز پرداخته شده است. ما در این مقاله در پی پاسخگویی به سوال ذیل هستیم.

دلایل اثبات مسئولیت مدنی و کیفی خسارت‌های روحی زوجین به یکدیگر چیست؟

روش پژوهش

این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی برای تجزیه و تحلیل مطالب بهره می‌گیرد. به منظوری گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و از طریق منابع در دسترس فقهی و حقوقی معتبر استفاده گردید و با استفاده از مطالب گردآوری شده به تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری پرداخته شد.

یافته‌ها

مفهوم خسارت روحی

خسارت معنوی: دکتر کاتوزیان ضرر معنوی را "صدمه به منافع عاطفی و غیرمالی، مانند احساس درد جسمی و رنج‌های روحی، از بین رفتن آبرو، حیثیت و آزادی، و با توجه به بند ۲ ماده ۹ ق.آ.د.ک. سابق و قسمت اخیر ماده یک قانون مسؤولیت مدنی، منشأ ضرر معنوی لطمه زدن به یکی از حقوق مربوط به شخصیت و آزادی‌های فردی و حیثیت و شرافت (سرمایه‌های معنوی) و یا در نتیجه صدمات روحی" میدانند (کاتوزیان، ۱۳۶۲).

مبنای مسؤولیت مدنی خسارت روحی

خسارت‌های روحی به اندازه خسارت‌های جسمی مهم می‌باشد حتی می‌توان گفت بیشتر از خسارت‌های جسمی باید مورد توجه باشد؛ به همین سبب در قانون ایران نیز به خسارت روحی اشاره شده است اما اینکه مبنای مسؤولیت مدنی خسارت روحی چیست؟ ما در ذیل به این مبحث می‌پردازیم.

قاعده لاضرر

یکی از مبناهای اصلی بکار رفته از سوی فقها در جهت اثبات مشروعیت اخذ خسارت روحی. قاعده لاضرر است. مدارک و مستندات قاعده لاضرر؛ روایت لاضرر در کتب فریقین به طور متواتر موجود است. کلینی (ره) در کتاب کافی در قضیه «سمره بن جندب» آن را از ابن بکیر از زراره از ابی جعفر (ع)، پس از بیان جریان میان انصاری و سمره بن جندب و فرمایش پیامبر اکرم (ص)، نقل می‌کند که آن حضرت (ص) به انصاری فرمود که «اذهب فاقلعها و ارم بها الیه فانه لا ضرر و لا ضرار (بجنوردی، ۱۳۸۶). مفاد لاضرر نفی حکم ضرری است. بدین معنی که هر حکمی که از طرف شارع مقدس تشریح می‌شود اگر مستلزم ضرر باشد اعم از ضرر بر نفس مکلف یا غیر او یا ضرر مالی و ... حکم مزبور با توجه به ضرر به موجب قاعده لاضرر از صفحه تشریح مرفوع می‌شود (بجنوردی، ۱۳۸۱).

قاعده لاضرر همانطور که بیان کردیم یک قاعده عام است و شامل عموم ضررها می‌شود یعنی در واقع اگر در زندگی مشترک زوجین به علت دعوای مکرر، سرزنش، سرکوب، تهمت و غیره... که غیر قابل تحمل هستند هر یک از زوجین مبتلا به بیماری روحی و روانی شوند به دلیل عمومیت قاعده لاضرر، شخص مقصر ضامن و مسؤل پرداخت خسارت است زیرا که ضرر در اسلام وجود ندارد خصوصا ضرر به روح و جسم که از بزرگترین ضررها نسبت به ضررهای مادی است فلذا جبران ضرر روحی و روانی اهم و اولی می‌باشد (نقیبی، ۱۳۸۸).

بنای عقلا

عقلا در مواقع بروز خسارت، اعم از خسارت‌های مالی و صدمات بدنی، عامل آن را نسبت به جبران متعارف خسارت وارد شده، ضامن می‌دانند و ما می‌دانیم که شارع مقدس، این بنای عقلا را در خسارات مادی بی‌هیچ تغییری مورد پذیرش قرار داده است و عامل خسارت را در برابر خسارت وارد شده، ضامن مثل یا قیمت دانسته است. اما در مورد این که شارع، بنای عقلا را در خسارات معنوی و به خصوص خسارات معنوی ناشی از جرم نیز پذیرفته یا نه؟ باید دانست بر مبنای قاعده «کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع» می‌توان گفت، چون عقل به جبران خسارت روحی وارد شده بر اشخاص حکم می‌کند بنابراین

چنین دیدگاهی اصولاً از نظر شرع نیز پذیرفته شده است. به علاوه این که عقلاً، عدم پرداخت خسارت‌های ناشی از جرم را (اعم از خسارات مادی و معنوی) ظلم می‌دانند و ظلم نیز در نظر خداوند امری قبیح است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که حکم به عدم جبران خسارت روحی. از جانب خداوند امری قبیح است (حر العاملی، ۱۳۸۳)

انواع خسارت معنوی

تهمت ناروا زوجین به یکدیگر

زمانی که یک شخص به شخص دیگری یک عمل قبیح را نسبت می‌دهد و آن شخص آن عمل را انجام نداده است، تهمت محقق می‌شود که در دین اسلام کار بسیار ناپسندی است. مخصوصاً اگر تهمت زدن به دیگران به دلیل انجام دادن اعمال نامشروعی مثل زنا، لواط یا روابط نامشروع باشد. به همین دلیل در دین اسلام افراد از تهمت زدن به طور جدی منع شده اند.

در برخی مواقع که زن و شوهر با یکدیگر اختلاف شدید دارند به گونه ای که مدام در حال دعوا و جنجال هستند ممکن است شوهر از شدت ناراحتی به همسر خود تهمت ناروا زند و برعکس که این موضوع می‌تواند صدمات روحی فراوانی در پی داشته باشد خصوصاً اگر شوهر به همسر خود تهمت زنا دهد و زن به دلیل حیا و عفتی که دارد از ترس اینکه مبدا کسی متوجه این موضوع شود که در مضحکه عام و خاص قرار گیرد. قادر به شکایت از همسرش به دلیل تهمت ناروا نیست تا به جرم قذف مجازات قانونی شود که تا حدودی تسکین و آرامش یابد. در این مواقع شدت سنگینی تهمت شوهر ممکن است فشار روحی و روانی شدید بر زن داشته باشد که بیشتر مواقع ممکن است زن دچار بیماری روانی شود که نیازمند به دارو و درمان شود. می‌توان بیان نمود با توجه به قاعده تسبیب شوهر سبب ایراد خسارت روحی به همسرش شده است و در مواقعی که مباشر ضعیف باشد مسبب قوی مسبب ضامن خسارت است در این مورد هم دقیقاً مباشر(زن) در ورود خسارت روحی ضعیف است و مسبب(شوهر) قوی است و با توجه به قوی بودن مسبب، وی (شوهر) ضامن خسارت وارد شده به همسرش است و باید جبران خسارت نماید چه با عذر خواهی در جمع یا در خلوت، چه تعهد کتبی به عدم مجدد تهمت یا افترا، چه با ابراز محبت و نوازش چه با پرداخت هزینه درمان و دارو و روان درمانی و غیره.... جبران خسارت نماید (خداداد پور، ۱۳۸۸)

توهین زوجین به یکدیگر یا خانواده‌های هم

زوجین در هنگام بحث و دعوا یا ناراحتی و حتی در مواقعی که احساس می‌کنند حال روحی خوبی ندارند شروع به، به کار بردن یک سری عبارات توهین آمیز به یکدیگر می‌کنند که این عبارات در بیشتر مواقع تحقیر آمیز و خیلی ناراحت کننده است به حدی که این عبارات توهین آمیز باعث خراب شدن زندگی مشترک می‌شود؛ همچنین در برخی اوقات زوجین در اختلافاتشان به خانواده یکدیگر توهین می‌کنند تا با این کار یکدیگر را تحقیر و خرد کنند (حبیبی تبار، ۱۳۸۳). یکی از موارد توهین و تحقیر که می‌تواند عواقب شومی بدنبال داشته باشد سرزنش یکدیگر یا به قول معروف سرکوفت زدن است، مانند اینکه معایب جسمی یکدیگر را آن هم به قصد تحقیر به روی یکدیگر آورند، مانند: کوری، لنگی، کوتوله و غیره.... که تکرار این کلمات بعد از گذشت مدتی یک باور حقیقی برای شخص نسبت داده شود و خودش

نیز این عبارات را نسبت به خودش بپذیرد به گونه‌ای که باعث کاهش اعتماد به نفسش شود و به مرور زمان باعث عدم خود باوری و بیماری‌های روانی شود که نیازمند شدید به روان درمان شود.

خیانت و عدم وفاداری زوجین

بیشتر افرادی دست به خیانت زناشویی می‌زنند که مسئولیت پذیر نیستند، وظیفه شناس نیستند، رفتارهای تکانشی دارند، خودشیفته هستند، سبک دلبستگی ناایمن دارند، هویت جنسی نامعیوب یا اعتماد به نفس پایین دارند. خیانت زناشویی هم مانند بسیاری از مسائل دیگر این حوزه در جامعه ما درگیر کلیشه‌های بسیاری است. برملا شدن خیانت برای هر زوجی حادثه‌ای ناگوار است. برخی از زوجین به دلایل گوناگونی در زندگی مشترکشان ممکن است مرتکب خیانت شوند که شاید در کوتاه مدت همسرشان متوجه این موضوع (خیانت) نشوند اما به مرور زمان به قول معروف خورشید همیشه پشت ابر نمی‌ماند و خیانتشان بر ملا می‌شود که متأسفانه این خیانت که در بیشتر مواقع بدون توجه به عواقب ناگواری که بدنبال دارد انجام می‌شود و عواقب این خیانت می‌تواند ضربه روحی و روانی شدید به همراه داشته باشد.

عدم ابراز محبت و توجه زوجین نسبت به یکدیگر:

زن‌ها روحیه حساس و لطیفی دارند و اگر به آن‌ها بی توجهی شود عکس العمل‌های متفاوتی را از خود بروز می‌دهند. خطرناکترین عواقب بی توجهی مرد به زن ممکن است جدایی یا خیانت باشد. مانیکه یک یا هردو زوجین فکر می‌کنند شریکشان همیشه هست و هیچ تلاشی برای بهبود و نگهداری رابطه نمی‌کنند بی توجهی یا غفلت در رابطه اتفاق می‌افتد در چنین مواردی فرد برای رابطه و همسرش وقت نمی‌گذارد و تمایلی به تقویت کردن رابطه ندارد مثلاً زمانی همسر احساس نادیده گرفته شدن می‌کند که فرد تعطیلات آخر هفته را با دوستان خود مشغول تنیس، گلف و ... می‌شود اما وقت نمی‌گذارد که یک شب با همسرش بیرون برود. زنی که مورد بی توجهی همسرش قرار می‌گیرد، اینطور برداشت می‌کند که شوهرش دیگر به او علاقه ندارد و این ساعت‌ها به این مسئله فکر میکند که همسرش به او بی توجه هست و به مرور زمان این بی توجهی همسر صدمات روحی شدید به همراه دارد.

دعوا و جنجال مداوم زوجین

دعوی خانوادگی و اختلافات میان زن و شوهر از جمله اتفاقات تلخ در زندگی زناشویی است که گاهی نمی‌توان از آن جلوگیری کرد. بعضی از این اختلافات به حدی جدی است که هیچ کس نمی‌تواند برای بهبود آن قدمی بردارد و گاهی باعث از هم پاشیدن خانواده‌ها می‌شود. به مرور زمان این دعواها صدمات روحی ناگواری بدنبال دارد مانند کینه توزی، انتقام جویی، تلافی کردن، بی محلی کردن و غیره..... که متأسفانه این موارد شاید در کوتاه مدت تسکین دهنده باشد اما در دراز مدت سبب می‌شود که در زوجین روحیه خشن و تندی شکل بگیرد که حتی زن و شوهر در برخوردشان در اجتماع با مردم خیلی خشن و شدید باشد؛ یعنی در واقع شخصی عصبی و تند خو شود که تمام افراد از آن‌ها دوری می‌کنند و تمام دوستان و آشنایانشان با آن‌ها قطع ارتباط کنند.

دوری و مشغله کاری زوجین

شخصی که تمام وقت سرگرم کار است و پای بند به قول‌های خویش نیست، به گونه‌ای مشغول کار کردن است که در اکثر وقت‌ها کم حوصله و انرژی لازم برای توجه به همسر و مسایل مربوط به منزل را ندارند؛ مانند اینکه با همسرش به مسافرت و تفریح نمی‌رود یا اکثر وقت‌ها در خانه نیست و زمانی هم که حضور دارد از شدت خستگی بی حوصله هست یا حتی زمان برای صحبت و درد و دل با همسرش نمی‌گذارد در واقع در بیشتر مواقع همسرش در خانه تنها هست یا در بیشتر مواقع تنها به تفریح و گشت و گذار می‌رود. عدم توجه شوهر به مسئله مشغله کاری زیادیش و عدم توجه به همسرش سبب آسیب‌های روحی زیادی به همسرش می‌شود مانند اینکه همسرش که شب‌ها در خانه تنها بدون شوهرش هست توهمات زیادی (دزد، جن) به ذهنش خطور می‌کند و باعث وحشت زدگی آن می‌شود به مرور زمان صدمات روحی مانند فوبیا، ترس از تاریکی، ترس از تنهایی و غیره مواجهه می‌شود که این موضوع می‌تواند بیماری‌های روحی و روانی به همراه داشته باشد.

اصل ۱۷۱ و دلایل مسئولیت مدنی خسارت روحی

علی‌رغم اینکه در قوانین مورد اشاره، به طور صریح، مطالبه و امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی مورد اشاره قرار نگرفته بود اما الف: خسارت معنوی مطابق با اصل ۱۷۱ قانون اساسی « هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد». هر چند اصل ۱۷۱ قانون اساسی در خصوص خسارت‌های روحی که توسط قاضی ایراد می‌شود بیان شده است اما با توجه به قیاس اولویت می‌توان بیان نمود که اصل ۱۷۱ قانون اساسی شامل خسارت روحی زوجین نیز می‌شود. توضیح آن این گونه است قیاس اولویت مستلزم شروطی است که مهم ترین آن؛ (۱) قطع به وجود علت در فرع: یعنی تعدی حکم از اصل به فرع به جهت اولویت، مستلزم قطع به وجود علت در فرع است. (۲) قطع به اقوی بودن علت در فرع (حکیم، ۱۴۰۴ ق) یعنی علت قویترین علت باشد. دلالت بر طور کلی به دو دسته لفظی و غیر لفظی تقسیم می‌شود؛ اولویت لفظی که به صورت لفظی و مطابقی، دلالت بر عموم دارد؛ یعنی عموم علت از الفاظی همچون (کل) و (جمع) مستفاد می‌گردد. اما عموم غیر لفظی؛ استفاده عموم، صرفاً به واسطه کشف علت تامه است به تعبیر دقیقتر، خود خطاب با دلالت لفظی و عرفی، کاشف از علت تامه بوده و عقل به جهت ملازمه‌ای که میان علت تامه و حکم برقرار است حکم به عموم می‌نماید. این قسم همان مفهوم اولویت و دلالت فحوی است (فضلی، ۱۴۲۰ ق) بنابراین با توجه به عمومیت غیر لفظی اولویت می‌توان بیان نمود که علت تامه ضمانت قاضی در ماده ۱۷۱ قانون اساسی ایراد خسارت روحی به دیگری است در نتیجه با توجه به علت تامه (عمومیت) بودن حکم می‌توان از جهت ملازمه عقلی این حکم را به سایر خسارت روحی، من جمله خسارت روحی زوجین به یکدیگر در زندگی زناشویی استنباط نمود. ب: همچنین در ماده‌هایی مانند: ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری به ضرر و زیان معنوی که شامل کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی می‌شود و باید جبران شود، اشاره شده است. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز مؤید قابل مطالبه بودن خسارات معنوی

است و مقرر می‌دارد: «هرکس بدون مجوز قانونی، عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی در این خصوص بیان می‌دارد: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود، می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران خسارت مادی و معنوی خود را بخواهد.

ج: همینطور می‌توان براساس قاعده سبب و مباشر، مقصر را ضامن خسارت دانست؛ توضیح آن این که؛ سبب را فقهای ما مانند بجنوردی اینگونه تعریف نموده اند که آنچه از وجودش وجود لازم نیاید- وگرنه آن علت تامه یا جزء اخیر علت تامه است- اما از عدم و نیستی آن چیز عدم و نیستی تلف لازم آید. به موجب این تعریف از تسبیب اگر شخصی چاهی را در مسیر رفت و آمد مردم بکند و چیزی در آن چاه بیفتد و از بین برود، او سبب تلف و از بین رفتن مال خواهد بود (بجنوردی، ۱۳۸۳) بعضی از روایاتی که دلالت بر این دارند که مسبب مانند مباشر ضامن است به شرح زیر است: در صحیح حلبی از ابی عبد الله (ع) پرسیدم که حکم چیزی که در مسیر رفت و آمد قرار دهند و حیوانی از آن مسیر رد شود و از آن چیز رم کند و صاحبش را زمین بزند، چیست؟ حضرت (ع) فرمودند: هر چیزی که در راه قرار گیرد و به ضرر مسلمانان منجر شود قرار دهنده آن چیز ضامن است بر آنچه ضرر خورده است. ظاهر این روایات بیان می‌کند که قصد مسبب در تلف معتبر نیست (بجنوردی، ۱۳۸۳) حال سوالی که مطرح است این که چگونه شخص مسبب در خسارت روحی زوجین ضامن شناخته می‌شود و مسئول جبران خسارت است؟ توجه نماید مسبب مستقیما سبب ایراد خسارت نمی‌شود بلکه مسبب به وسیله اغفال، تحریک، تشویق، تحریک، اکراه و غیره سبب ورود خسارت به شخص ثالث می‌شود؛ به بیان دیگر مسبب هر چند مستقیما در ارتکاب خسارت نقشی ندارد اما با گفتار و حالاتش سبب ایجاد خسارت می‌شود به عنوان مثال در اختلافات و دعوای مکرر زوجین اگر شوهر با بیان عبارات تحریک آمیز مانند تهمت و افترا یا توهین، سبب ابتلای زن به بیماری‌های روانی شود در اینجا هر چند شوهر مستقیما در ابتلای زن به بیماری روانی نقشی نداشته بلکه با گفتارهای تحریک آمیزش مسبب ابتلای زن به بیماری روحی شده است و به علت اینکه مسبب (شوهر) اقوی از مباشر (زن) است شوهر ضامن ابتلای زن به بیماری روانی است و باید جبران خسارت نماید. بنابراین با توجه به سه دلایل بیان شده خسارت روحی زوجین به یکدیگر در زندگی زناشویی قابل مطالبه است.

پرداخت خسارت درمان و دارو

زوجینی که به دلایلی مانند جنجال و دعوا، ترس، فوبیا، کاهش اعتماد به نفس یا عدم اعتماد به نفس و غیره... دچار انواع بیماری‌های روانی می‌شوند نیازمند درمان و جلسات مشاوره برای تسکین بیماریشان هستند روند درمان بیماری‌های روحی و روانی در بیشتر مواقع طولانی و نیازمند هزینه‌های هنگفت هست خصوصا جلسات مشاوره و روان درمانی و دارو درمانی که هزینه‌های سنگینی دارد.

همانگونه که در بالا بیان نمودیم بر اساس دلیل اولویت و عمومیت می‌توان خسارت روحی زوجین را نیز به اصل ۱۷۱ قانون اساسی ارجاع داد و مقصر را ضامن خسارت‌های روحی دانست هر چند این اصل در ارتباط با ضمان قاضی در صورت تقصیر بیان شده است اما با توجه به عمومیت این اصل اساسی می‌توان استنباط نمود که مطابق با این اصل (۱۷۱ قانون اساسی) زوجین نیز در صورت تقصیر در ورود خسارت روحی به یکدیگر ضامن هستند؛ یعنی باید هزینه‌های جلسات مشاوره و روان درمانی و دارو درمانی را باید پرداخت نمایند همچنین ابراز محبت‌های صادقانه و تعهد به عدم دعوا و جنجال و غیره... تا شخص آسیب دیده روحی درمان شود و کاملاً مانند سابق شود که احتمال بازگشت مجدد بیماری روحی کاهش یابد یا از بین رود. البته ناگفته نماند پرداخت خسارت در صورتی است که زن علاوه بر ابراز محبت و هم‌دردی نیازمند دارو درمانی نیز هست که در این صورت باید هزینه معالجه را پرداخت نماید.

پرداخت خسارت از کار افتادگی یا عقب ماندگی از کار

زوجینی که در اثر دعوا و جنجال شدید یا بی توجهی و غیره مبتلا به بیماری روحی و روانی می‌شوند ممکن است بیماری آن‌ها به گونه‌ای باشد که قادر به انجام فعالیت‌های شغلیشان حتی امورات زندگی‌شان نیستند در این صورت از کار افتاده یا عقب افتاده از کار می‌شوند؛ مانند اینکه یکی از زوجین مبتلا به افسردگی شدید شده اند که دائماً در حال خواب هستند یا اینکه بر اثر استفاده داروهای افسردگی که اکثراً نیز خواب آور هستند دائم در حال خواب هستند یا اینکه مبتلا به فراموشی شدید شوند که قادر نیستند فعالیت‌های شغلیشان را انجام بدهند یا اینکه به دلیل افسردگی شدید نسبت به فعالیت شغلیشان حتی امورات زندگی‌شان بی تفاوت و بی اهمیت شوند یعنی هیچ یک از امورات زندگی‌شان برایشان مهم و قابل اهمیت نباشد؛ در این موارد هر یک از زوجین که مقصر هستند ضامنند و باید جبران خسارت از کار افتادگی یا عقب ماندگی از کار را بنمایند؛ مانند اینکه که شخص بیمار روحی فعالیت شغلیشان را ترک می‌کنند یا از رفتن به محل کار خودداری می‌کنند که سبب می‌شود بیمه کار آن‌ها برای مدتی پرداخت نشود و متوقف شود، شخص ضامن باید بیمه‌های پرداخت نشده و خسارت تاخیر آن را بدهد. همچنین اگر شخص بیمار به دلیل بیماری روحی شدید از محل کارش مرخصی بدون حقوق بگیرد در این مواقع شخص ضامن باید خسارت عدم پرداخت حقوق آن را جبران نماید. دقیقاً مانند در مبحث ضمانت اشخاص در خصوص کارگر یا کسبه که توسط شخصی حبس شده است که کارگر و کاسب به دلیل حبس قادر به انجام کار و فروشندگی نیستند که در خصوص مبحث ضمانت اشخاص بیان شده بود حابس، ضامن از کار افتادگی کارگر و کاسب است و باید در حد امکان جبران خسارت نماید (اصفهانی، ۱۴۱۸ ق)

پرداخت خسارت اشیاء ضربه خورده یا از بین رفته

در هنگام دعوا و جنجال زوجین خصوصاً دعوای شدید مانند؛ توهین، تحقیر، سرزنش، سرکوب، تهمت و غیره که موجب اعصاب‌نیت شدید و غیر قابل تحمل می‌شود ممکن است در این حین اشیاء و اجناسی که در دسترسشان قرار دارند را ضربه بزنند یا از بین ببرند. مانند اینکه هنگام دعوای شدید یکی از زوجین گوشی موبایلش را از شدت اعصاب‌نیت به زمین بزند یا به طرف مقابل پرت کند و خورد شود یا اینکه اشیا بر جای مانده از اجدادشان را هنگام دعوا از صدمه بزنند یا از بین ببرند (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰) در این صورت شخص که با توهین یا تهمت یا سرکوب، سبب اعصاب‌نیت شدید طرف مقابل شده است ضامن است و باید

خسارت وارد شده به اشیاء را پرداخت نماید زیرا که حرف‌ها و گفته‌های آن باعث عصبانیت و فشار روحی شدید همسرش شده است به گونه‌ای که همسرش با شنیدن تهمت، سرکوب و توهین‌های ناراحت کننده قدرت کنترل خودش را در آن لحظه از دست داد و ناخودآگاه برای تسکین خودش یا برای اینکه همسرش کلامش را قطع کنند و دیگر ادامه ندهد اشیاء و اجناس در دسترسش را شکست.

جبران نفقه‌های پرداخت نشده

زوجینی که بایکدیگر دعوا و جنجال می‌کنند ممکن است مدتها با یکدیگر قهر باشند و باهم صحبت نکنند و هیچ کدام از آن‌ها به دلیل غرورشان پیش قدم برای صلح نشوند در این مدتی که زوجین با یکدیگر قهر هستند به نیازهای یکدیگر توجه نکنند به عنوان مثال زوج نفقه زوجه را در این مدت پرداخت نکند یا مایحتاج مورد نیاز منزل را تهیه نکند یا زوجه در این مدت از تمکین خود داری کند. در امثال این موارد زوج اگر مقصر محسوب شود پرداخت نفقه‌های پرداخت نشده در این مدت است و باید قضاء نماید همچنین اگر زوجه مقصر محسوب شود و در این مدت از تمکین خودداری نماید باید خسارت عدم تمکین در این مدت را پرداخت نماید (حسینی حائری، ۱۴۲۳ ق)

جبران خسارت خودزنی

زوجینی که در حین دعوا و جنجال‌های شدید به یکدیگر تهمت ناروا، سرکوب، توهین و سرزنش می‌زنند و سبب ناراحت شدید و فشارهای روحی غیر قابل تحمل می‌شود به گونه‌ای که شخص قادر به تحمل این نوع عبارات تحقیر آمیز نیست و سبب بی‌حوصلگی و کاهش صبر و تحمل زوج و زوجه می‌شود. در حین دعوا، زوجین ممکن است به دلایلی مانند کاهش صبر و تحمل، بیماری روحی و روانی و یا شدت عصبانیت زیاد به کارهای مانند خود زنی دست بزنند یعنی در حین دعوا به سر و کله خود بکوبند یا دست خودشان را محکم به جسم سخت بکوبند یا به صورت خودش زخم وارد نمایند، هر چند این موارد خود زنی است و خود شخص به خودش آسیب وارد نموده است ولی ناگفته نماند تا زمانی که همسرش مکرر به آن تهمت، توهین، سرکوب و سرزنش نمی‌زد ایشان خود زنی نمی‌کرد و به خودش آسیب نمی‌رساند در واقع بیانات و گفته‌های همسر سبب خود زنی و آسیب رساندن به خودش شد و می‌توان بیان نمود بیانات همسر سبب تحریک و ترغیب به خود زنی می‌شد. در این موارد نیز همسر مقصر ضامن پرداخت خسارت وارد زن و شوهرش که خود زنی کرده است می‌باشد به عنوان مثال اگر زن بر اثر تهمت مکرری که شوهرش به آن میزند فشار روحی شدیدی به آن وارد شود و دست به خود زنی و آسیب رساندن به خود زند و باعث شود از نظر جسمی آسیب ببیند در این مواقع شوهری که با تهمت‌های مکررش باعث عصبانیت و تحریک به خود زنی زن شده است مسئول جبران دارو و درمان‌ها برای مداوای زنش است.

طلاق به درخواست زن

با وجود اینکه اصولاً طلاق به اراده زوج انجام می‌شود اما در صورتی که ادامه زندگی زن و شوهر به دلایل دعوا و جنجال‌های مداوم و حتی سرکوب و سرزنش ممکن است زن مبتلا به بیماری‌های شدید روحی و افسردگی‌های حاد شود به حدی که با حضور شوهرش در منزل و با دیدن آن دعوها و جنجال یا گفته‌های شوهرش به خاطرش بیاید به همین علت بیماری روحیش ظاهر شود و دست به کارهای ناعقلانه زند یا خودش با عودت بیماری روحی رنج زیادی ببیند؛ در اینجا دادگاه می‌تواند برای جبران صدمات وارد شده

به زن حق طلاق را به زن اعطا نماید و مهریه اش هم کامل شوهر پرداخت کند. زن به راحتی بتواند درخواست طلاق بدهد بدین صورت با دوری از همسرش و ندیدن آن حداقل بیماری روحیش به مرور زمان کاهش یابد یا بهبود یابد (داوودی، ۱۳۹۰)

نکته: زوجین که مدام در حال دعوا و جنجال هستند و به مرور زمان مبتلا به بیماری روحی و روانی می‌شوند در عرف برای حل مشکلات زندگی زناشویان راه حل‌های پیشنهاد و ارائه شده است هرچند نمی‌توان این راه و حل‌ها را در قانون شامل مسئولیت مدنی دانست اما در واقع در عرف همین که زوجین با تلاش و کوششان در صدد انجام کارهایی برای بهبود زندگی مشترکشان هستند را می‌توان شامل مسئولیت مدنی دانست زیرا که زن و شوهر خودشان را مسئول و مقصر دانسته‌اند و درصدد جبران این تقصیرات هستند خانواده غالباً تحت تأثیر عرف و عادات و رسوم است؛ بنابراین، عرف نیز روشهایی را برای جبران خسارت معنوی در روابط زوجین ارائه می‌دهد به همین علت می‌توان این موارد را شامل مسئولیت مدنی دانست:

الف: ترک سکونت مشترک زوجین همراه با تهیه وسایل مورد نیاز هم برای فراهم آوردن زندگی منفرد و مستقل برای مدت محدودی تا دعواها و جنجال‌های بین زن و شوهر حل و درست شود.

ب: منع از اشتغال زوجه: اگر مشغله کاری زیاد زن علت دعواها و اختلافات بین زن و شوهر شده زن می‌تواند برای مدت محدود یا برای همیشه از شغل برای حفظ زندگی استعفا دهد.

ج: فسخ نکاح: اگر زن و شوهر متوجه شوند با هم بودن زندگی کردن زیر یک سقف اشتباه هست به طوری که حتی برای مدت کوتاه نمی‌توانند به دلیل اختلاف عقیده با هم زندگی کنند و دائماً در حال دعوا و جنجال هستند در این مواقع دادگاه می‌تواند هر چند از شرایط فسخ نکاح نیست ولی برای جلوگیری از ضررهای بزرگ تر نکاحشان را فسخ کند.

ح: پند و اندرز ریش سفیدان: در برخی مواقع دعواها و اختلافات زن و شوهر ناشی از لجبازی و کودکانه است یعنی در واقع زندگی زناشویی را یک میدان جنگ می‌دانند و فقط به دنبال تلافی و انتقام جویی هستند در این مواقع ریش سفیدان فامیل می‌توانند پیش قدم شوند و زن و شوهر را پند و اندرز دهند و از این موضوع آگاه نمایند که ادامه دعوا و لجبازی آن‌ها می‌تواند عواقب خطرناکی بدنبال داشته باشد و آن‌ها را از رفتار نادرستشان منع کنند.

د: اذن به ازدواج مجدد به زوج: گاهی مواقع دعواها و اختلافات زن و شوهر به دلیل عدم بارداری زن است و زن نیز به دلیل اینکه مطلع است خودش قادر به بارداری نیست نسبت به این موضوع حساس می‌شود و در هر مسئله کوچکی شروع به دعوا و اختلاف با شوهرش می‌کند که این مسئله به مرور زمان می‌تواند صدمات روحی شدیدی به همراه داشته باشد در این مواقع زن برای کاهش و اتمام اختلافات مابین خودش و شوهر می‌تواند تقاضا و اذن ازدواج مجدد به همسرش بدهد تا همسرش ازدواج مجدد نماید و صاحب فرزند شود (بروجردی عبده، ۱۳۹۲)

مسئولیت کیفری خسارت روحی زوجین

در قانون مجازات مادهٔ ۵۷۵ به مسئولیت کیفری خسارت روحی زوجین به یکدیگر، اختصاص داده نشده اما با توجه به جرم ارتکاب یافته می‌توان مسئولیت کیفری را مشخص کرد مانند جرم توهین، افترا، تهمت و

غیره... که مجازات هر کدام از این جرم‌ها در قانون مجازات مشخص شده است. به عنوان مثال اگر در اختلافات و دعوای زوجین، شوهر به زن تهمت زنا زند شوهر مرتکب جرم قذف شده و زن می‌تواند مطابق مقررات و قانون از شوهر شکایت کند و خواستار اجرای مجازات قذف که هشتاد ضربه شلاق است شود و یا اگر شوهر در اختلافاتش با زن به زن توهین نماید مطابق با ماده ۶۰۸ قانون مجازات می‌تواند شکایت نماید و درخواست مجازت کند و همچنین دیگر عبارات ناپسند به کار رفته بین زوجین. بنابراین می‌توان گفت هر چند مسئولیت کیفری برای خسارت روحی زوجین در قانون مجازات مشخص نشده است اما با توجه به گفتار و اعمال به کار رفته بین زوجین که در قانون مجازات اسلامی جرم شناخته شده است و برای آن مجازت تعیین شده است، می‌توان مسئولیت کیفری خسارت روحی زوجین را نیز اثبات نمود (قانون مجازات اسلامی)

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه دعا و اختلافات بین زوجین در زندگی زناشویی به دلایلی مانند چشم و هم چشمی، توقعات زیاد و نابجا، دخالت بیش از اندازه خانواده‌های دو طرف، تفاوت فرهنگی، ناامیدی به زندگی و غیره... نسبت به گذشته خیلی پررنگتر و بیشتر شده است خصوصاً که اختلافات امروزه زوجین بیشتر ناشی از لجبازی و تلافی نمودن است که این اختلافات در بیشتر مواقع به عباراتی مانند؛ توهین، تهمت، سرزنش، سرکوب، تحقیر و آبروریزی ختم می‌شود؛ این عبارات هر چند در اوایل زندگی زناشویی ناچیز و بی اهمیت است اما به مرور زمان و تکرار مداوم این عبارات در اختلافات خصوصاً نسبت به زن که روحیه حساس و لطیفی دارد ممکن است منجر و مبتلا به بیماری‌های روحی و روانی شود و پیامدهای ناگوار دیگری به همراه داشته باشد که هر یک از زوجین بدون آگاهی از عواقب این عبارات ناپسند در گفتارشان مکرراً به کار می‌برند. فلذا ممکن است به دلیل اختلافات دائم زوجین و کاربرد عبارات ناپسند به مرور زمان هر یک از زوجین مبتلا به بیماری روحی یا روانی شوند. متأسفانه در قانون مدنی ماده‌ای به صراحت در خصوص خسارت روحی زوجین به یکدیگر در زندگی زناشویی بیان نشده است اما با توجه به اصل ۱۷۱ قانون اساسی که در خصوص ضمانت قاضی می‌توان به دلیل قاعده اولویت و عمومیت اصل ۱۷۱ قانون اساسی به خسارت روحی زوجین در زندگی مشترک نیز تسری داد و شخص مقصر را ضامن جبران خسارت دانست؛ بنابراین می‌توان استنباط نمود در صورتی که هر یک از زوجین در زندگی مشترکشان به هر دلایلی به یکدیگر خسارت روحی وارد نماید، ضامن و مسئول جبران خسارت وارده است. همچنین می‌توان براساس ماده‌های ۱ و ۱۰ قانون مدنی مسئولیت روحی که زوجین به یکدیگر وارد می‌کنند را اثبات نمود؛ تا به اینجا براساس عمومیت قاعده اولویت و ماده‌های ۱ و ۱۰ قانون مدنی توانستیم مسئولیت مدنی خسارت روحی زوجین را اثبات نمایم اما تکلیف مسئولیت کیفری چیست و چگونه می‌توان مسئولیت کیفری را اثبات نماییم؟ هر چند در خصوص مسئولیت کیفری خسارات روحی زوجین در قانون مجازات اسلامی ماده بیان نشده است اما با توجه به گفتار و حالات به کار رفته بین زوجین و اهمیت جرم بودن و میزان مجازات آن می‌توان مسئولیت کیفری خسارت روحی زوجین را اثبات نمود؛ مانند تهمت زنا که قذف و

قابل مجازات و یا استفاده از توهین که شامل جرم توهین و مطابق با ماده ۶۰۸ قابل مجازات و دیگر موارد عبارات جرم شناخته شده.

اما مهم ترین نکته در اینجا نحوه جبران خسارت است که آیا جبران خسارت به صورت پرداخت وجه هست یا نه به روش‌های دیگر؟ می‌توان گفت با توجه به اینکه سلامت روح و روان به شدت قابل اهمیت می‌باشد و حتی مهمتر از سلامت جسم است، جبران خسارت صرفاً تنها با پرداخت وجه نیست زیرا که، زیان معنوی تبلور خارجی ندارد و ملموس نیست، لذا قابل اندازه‌گیری مادی نیست و در نتیجه میزان خسارتی که توسط دادگاه معین می‌شود مبتنی بر حدس و گمان است و در هر حال غیرواقعی است بلکه فرد مقصر یعنی زن و یا شوهر که سبب ایراد خسارت به یکدیگر شده اند باید در حد امکان سعی و تلاش نمایند مانند؛ انجام جلسات مشاوره، عذر خواهی در عموم، ابراز محبت‌های صادقانه و مداوم، شنیدن درد و دل و سخنان یکدیگر، تعهد کتبی به عدم تکرار رفتارهای ناپسند خود، دارو درمانی و روان درمانی و غیره... به نحوه‌ای که شخص مبتلا به بیمار روحی کاملاً درمان شود و مانند حالت سابق یعنی قبل از بیماری شود بنابراین می‌توان بیان نمود در مسئولیت مدنی خسارت روحی زوجین صرفاً پرداخت پول اولویت نیست؛ خصوصاً که عامل ابتلای هر یک از زوجین به بیماری روحی، مادیات یا پول نیست بلکه عدم توجه، توهین، تهمت، عدم محبت و غیره... است بر همین اساس باید بر اساس روش‌ها و دلایل ابتلای شخص به بیماری درمان شود.

سپاسگزاری

از همه شرکت کنندگان در پژوهش و همه کسانی که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند؛ تشکر و قدردانی می‌شود.

مشارکت نویسندگان

در تدوین این مقاله همه نویسندگان در طراحی، روش‌شناسی، مفهوم‌سازی، گردآوری و تحلیل داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی‌سازی نقش یکسانی داشتند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- اصغری، فخرالدین. (۱۳۸۲). جبران خسارت معنوی در ایران. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران. ۳(۱۰ و ۹)، ۱۷-۳۵.
- اصفهانی، شیخ محمد حسین. (۱۴۱۸ ق). رساله اجاره، قم: جامعه مدرسین.
- اکبری، موسی الرضا. (۱۳۸۴). مسئولیت مدنی - جبران خسارت معنوی در حقوق ایران، ماهنامه دادرسی، ۹(۵۲)، ۴۹-۷۱.
- امامی، حسن. (۱۳۸۴). حقوق مدنی، ج ۴. چاپ هجدهم، تهران: انتشارات اسلامی.

- بروجردی عبده، محمد. (۱۳۲۹). حقوق مدنی، تهران: انتشارات علوی.
- پروین، فرهاد. (۱۳۸۲). خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران: ققنوس.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۸). مبسوط ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران: گنج دانش.
- حبیبی‌تبار، جواد. (۱۳۸۳). گام به گام با حقوق خانواده، تهران: نشر گام به گام.
- حر عاملی، محمدین حسن. (۱۳۷۲ ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، موسسه آل‌البتیت لاحیاء التراث، بیروت
- حسینی حائری، کاظم. (۱۴۲۳ ق). القضاء فی الفقه الاسلامی، قم: مجمع الفکر السلامی.
- حسینی عاملی. (۱۴۱۶ ق). سید محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد علامه، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- حکیم، محسن. (۱۴۰۴ ق). متمسک العروه الوثقی، ج ۱، قم: کتابخانه آیت العظمی مرعشی.
- حلی، ابن ادیس. (۱۴۱۰ ق). السرائر، بیروت: مجموعه ینابیع الفقهییه.
- خدادادپور منیره. (۱۳۸۸). مسؤولیت مدنی زوجین با مطالعه تطبیقی در برخی کشورهای اروپایی و اسلامی. تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- داوودی. هما. (۱۳۹۰). جبران مالی خسارت معنوی در طلاق ناشی از سوءرفتار، دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۷(۱۵)، ۹۱-۱۱۰.
- سلطانی نژاد، هدایت الله. (۱۳۸۰). مسؤولیت مدنی - خسارت معنوی. تهران: نورالثقلین.
- شفیعی مازندرانی، سیدمحمد. (۱۳۹۰). علاج نشوز زوجه از دیدگاه فقه اسلامی، فقه و اصول، ۷(۹)، ۱۰-۳۱.
- فضلی، عبدالهادی. ۱۴۲۰ ق. درس فی الاصول فقه الامامیه، ج ۱، تهران: موسسه ام القری.
- کانونیان، ناصر. (۱۳۶۲). حقوق مدنی - ضمان قهری - مسؤولیت مدنی، تهران: انتشارات دهخدا.
- کرمی، محمدتقی. و سجادی امین، مهدی. (۱۳۸۹). نقد و بررسی ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۲(۴۸)، ۹۱-۱۱۹.
- نقیبی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). نظریه جبران مالی خسارت معنوی در حقوق ایران. نشریه مطالعات اسلامی، ۶(۱۰)، ۲۲-۴۶.

References

- Akbari, M. R. (2005). Civil liability - Compensation for moral damage in Iranian law, Dadresi Monthly, 9(52), 49-71.
- Asghari, F. (2003). Compensation for moral damages in Iran. Mazandaran University Journal of Humanities and Social Sciences, 3(9-10), 17-35.
- Boroujerdi Abdeh, M. (1950). Civil Rights, Tehran: Alavi Publications.
- Davoudi, H. (2011). Financial Compensation for Moral Damage in Divorce Due to Misconduct, Biannual Journal of Jurisprudence and Family Law (Neda-e-Sadegh), 7(15), 91-110.
- Emami, H. (2005). Civil Rights, Vol. 4, 18th Edition, Tehran: Islamic Publishing.
- Esfahani, Sheikh Mohammad Hossein. (1998). Treatise on Renting, Qom: Society of Teachers.
- Fazli, A. (2001). Lessons in the Principles of Imamiah Jurisprudence, Vol. 1, Tehran: Umm al-Qura Institute.
- Habibi Tabar, J. (2004). Step by Step with Family Law, Tehran: Step by Step Publishing.
- Hakim, M. (1985). Supporting the Strongest Evidence, Vol. 1, Qom: Ayatollah Marashi Library.

- Hilli, Ibn Idris. (1989). Al-Sara'ir, Beirut: Fountain of Jurisprudence Collection.
- Horr Ameli, M. H. (1993). Wasael al-Shia to obtain Shia issues, Beirut: Al al-Bayt Institute.
- Hosseini Ameli, S. M. J. (1995). Key to Generosity in Explaining the Principles of Allama, Qom: Islamic Publication Institute.
- Hosseini Hayeri, K. (2002). Judgment in Islamic Jurisprudence, Qom: Islamic Thought Assembly.
- Jafari Langroudi, M. J. (2009). Comprehensive Terminology of Law, 4th Edition, Tehran: Ganj-e Danesh.
- Karami, M. T., & Sajjadi Amin, M. (2010). Critique and Review of Article 23 of the Family Protection Bill. Social and Cultural Council of Women Quarterly, 12(48), 91-119.
- Katouzian, N. (1983). Civil Law - Compulsory Warranty - Civil Liability, Tehran: Dehkhoda Publications.
- Khodadadpour, M. (2009). Civil Responsibility of Spouses with Comparative Study in European and Islamic Countries, Tehran: Presidential Women and Family Affairs Center.
- Naghibi, A. (2007). Theory of Financial Compensation for Moral Damage in Iranian Law. Islamic Studies Journal, 6(9-10), 22-46.
- Parvin, F. (2003). Moral Damages in Iranian Law, Tehran: Ghoghnoos.
- Shafiei Mazandarani, S. M. (2011). Treatment of Wife's Disobedience from the Perspective of Islamic Jurisprudence, Fiqh and Principles, 7(9), 10-31.
- Soltaninejad, H. (2001). Civil Liability - Moral Damage, Tehran: Noor al-Thaqalain.

Civil and Criminal Liability for Emotional Damages Inflicted by Spouses on Each Other in Married Life

Abolfazl. Alishahi Ghale Joughi¹, *Fariba. Taei*^{2*}, & Nejat. Alipour³

Abstract

Aim: The present research aims to investigate the civil and criminal liability for emotional damages inflicted by spouses on each other in married life. **Methods:** This research employs a descriptive-analytical method and is conducted using authoritative legal and jurisprudential library sources. **Results:** Undoubtedly, the primary objectives of marriage for spouses are not profit and benefit, but rather to achieve peace, respect, loyalty, intimacy, and security. Among the damages that can be inflicted on a person is moral damage, which is not about losing property; rather, these damages affect the individual emotionally and psychologically. Moral damage is often related to the rights associated with a person's character and includes harm to physical and moral integrity, such as physical suffering, identity, reputation, emotions and feelings, and dignity. **Conclusion:** Consequently, we find that if spouses suffer from mental illness or are harmed due to constant quarrels, blame, suppression, or slander, the culprit is liable for civil and criminal damages. However, it is also understood that compensating for emotional damage is not solely through monetary payment but should also involve expressions of affection, commitment to not repeating behavior, public apologies, psychotherapy, etc.

Keywords: Spouses, Damage, Emotional, Civil Liability, Culprit.

-
1. Associate Professor, Department of Theology, Farhangian University, Tehran, Iran
 2. ***Corresponding author:** Doctoral Student, Department of Jurisprudence and Law, Mazandaran University, Mazandaran, Iran
Email: faribataee73@gmail.com
 3. Master's Degree, Department of Private Law, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran